



انترناسیونال ۳۵۹

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۸ مرداد ۱۳۸۹، ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

ما حکومت اسلامی را از این جامعه جراحی میکنیم

سخنرانی مینا احدی در ونیز ایتالیا به مناسبت روز بین المللی سکینه



در مقابل کسانی که حکومت تشکیل داده اند و زنان را تا سینه در خاک فرو صفحه ۲

مهمی است. برای اینکه بشریت بلند شده و دارد از حیثیت خودش دفاع می کند. دنیا نمی تواند ساکت باشد

امروز شنبه ۲۴ جولای (۲ مرداد) ، روز جهانی "سکینه محمدی آشتیانی" است. در سی و دو کشور دنیا هزاران نفر به خیابان می آیند و اعلام می کنند که دیگر با سنگسار کنار نمی آیند. متأسفانه سی سال است که جمهوری اسلامی در ایران صدها نفر را سنگسار کرده و در کشورهای اسلام زده، در سودان و افغانستان، زنان و مردان را تا

باز شدن پرونده جنگ ایران و عراق



کاظم نیکخواه

مقدسات حکومت اسلامی یکی یکی جلوی صحنه می آیند و در برابر چشمان حکومت به زیر کشیده میشوند. وقتی نزاع و کشاکشی در میگردد طرفین پرچم و مقدساتی مشترک را بلند میکنند تا طرف مقابل را خائن به مقدسات قلمداد کنند و صفوف خود را منسجم نگه دارند. در کشاکش میان جناحهای حکومت نیز این قاعده مدام عمل کرده است. نزاع جناحها اکنون به عرصه جنگ ایران و عراق وارد شده است. و این موضوع بسیار مهم و حساسی است که هیچکدام نمیتوانند از آن برنده بیرون آیند. وقتی در اوایل دی ماه سال گذشته جناح حاکم بر سر پاره کردن عکس خمینی هیاهو برآه انداخت، گفتیم و نوشتیم که جناح خامنه ای "مرگ بر خامنه ای" را پذیرفته است و اکنون متوسل به خمینی شده است. دوره تقدس ولی فقیه خیلی زود سپری شده بود. خامنه ای به رهبر یک جناح تبدیل شد و فریاد مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بر دیکتاتور او را به آماج حمله تبدیل کرده بود. مخالفت با خامنه ای عیب و عار و خیانت نبود بلکه نقطه قوت طرف مقابل بود. مساله بطور واقعی اینست که جنگ میان جناحهای حکومت در واقع کشاکشی فرعی در برابر یک جنگ اصلی تر است یعنی جنگ با مردم. اینجاست که بلند کردن پرچم مقدسات علیه یکدیگر برایشان معضل و مشکلی جدی شده است. آنچه برای حکومت مقدس است برای مردم مورد الزجار و نفرت است. هر مقدسی را اینها بلند میکنند مردم فرصتی می یابند

صفحه ۳

مصاحبه با مصطفی صابر پیرامون تحریمهای بین

المللی علیه جمهوری اسلامی

پاسخ، سرنگونی رژیم بقدرت انقلاب مردم است!

انترناسیونال: بدنبال قطعنامه های تحریمی شورای امنیت و سیاستهای تحریمی شدید دولت آمریکا، این هفته اتحادیه اروپا هم تحریمهای جدید و گسترده اقتصادی را علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد. این

صفحه ۱۰

بازتاب هفته

ناگفته های جنگ ایران و عراق

بهروز مهرآبادی

جنتی در چمکران: نظام چندین بار در آستانه

سقوط بود!

محمد شکوهی

انتشار اسناد جنگ افغانستان در "ویکی لیکس"

بهروز مهرآبادی

باغ بادام!

احمد فاطمی

صفحات ۵-۴

"صدا و سیما"ی حکومت و کارزار جهانی علیه سنگسار

حسن صالحی

از آزادی وی و در مخالفت با سنگسار و اعدام، جمهوری اسلامی را ناچار کرد که گوشه ای از گزارش این روز را از صدا و سیما کتبی اش پخش کند و در مورد آن اظهار صفحه ۷

ابعاد و گستردگی بین المللی کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی بطور کلی و موفقیت آمیز برگزار شدن یک روز جهانی در حمایت

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۶



پیام کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت

برگزاری روز جهانی سکینه

روز جهانی سکینه: یک موفقیت صفحه ۸

صفحات دیگر

حمایت پرشور مردم در ۳۲ شهر جهان از تظاهرات ۲۴

ژوئیه، روز سکینه محمدی آشتیانی، و علیه مجازات

اعدام و سنگسار

صفحه ۹

هزاران حکم اعدام، ۱۰۰ هزار زندانی، ادامه اخراج

مهاجرین افغانستانی!

محمد شکوهی، صفحه ۸

خطاب به همه آنها که برای نجات سکینه در سراسر جهان فعالیت میکنند:

نه تنها سکینه که انسانیت به تلاش شما نیاز دارد

چه با شکوه است که صدها هزار نفر در سراسر جهان قلبشان برای زنی در زندانهای ایران میپتد. چه مسرت بخش است که در طول سه هفته سکینه محمدی آشتیانی، زنی گمنام، به همت انسانهای بیشماری در سراسر جهان به یکی از معروف ترین زنان دنیا تبدیل شد و نور امید در دلش زنده شد. و چه امیدبخش است که میلیونها نفر از قاره های مختلف دنیا در دفاع از انسانیت، علیه يك حکومت ضد انسان قد علم میکنند و این حکومت را به عقب میرانند.

دوستان عزیز

اجازه بدهید به سهم خود از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار و کمیته بین المللی علیه اعدام از تلاش ارزشمند تک تک شما قدردانی کنم و درمورد اهمیت و

از صفحه ۱

سنگسارشان کنند، شما با آنها دیالوگ انتقادی سازمان می دهید و یا دستگیر و زندانی شان می کنید؟ چرا با مقامات جمهوری اسلامی می نشینید؟ چرا آنها را بعنوان دولت برسمیت می شناسید؟ آنها قاتلان مردم ایران هستند. سال های سال است که وقتی به خیابان می رویم و با بینیم که همه از سنگسار متنفر و منزجرند. هیچ کس نمی تواند صحنه سنگسار را نگاه کند و شب راحت بخوابد. ولی این دولت ها با جمهوری اسلامی همکاری کرده اند. سکوت کرده اند و مطبوعات بین المللی تاکنون خیلی کم راجع به این پدیده حرف زده اند. خوشبختانه با کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی، رسانه های مهم بین المللی مثل "تایمز"، "سی ان ان"، "گاردین" و غیره، خودشان اکتیویست این حرکت شده اند. برای اینکه بنظر من، حتی خبرنگارانی که در این رسانه ها کار می کنند، دیگر می خواهند نقطه پایانی به سنگسار گذاشته شود. بشریت بلند شده است و دارد با این حرکت از انسانیت خودش دفاع می کند و به این معنا، بنظر من، تاریخ

دیگر، به جرم آزاد اندیشی، به جرم بی اعتقادی به مذهب، اعتقاد به مذهبی دیگر و یا به جرم ارتداد و یا صرفا به خاطر عشق ورزیدن به کسی، به جرم هموسکسوالیسم، به جرم عدم رعایت حجاب اسلامی، عدم رعایت مقررات اسلامی و یا به جرم نخواستن چنین حکومتی، در دادگاههایی که هیچ انسان شرافتمندی نمیتواند اسم دادگاه بر آنها بگذارد، اعدام و یا سنگسار کرده است. اعدام يك رکن مهم این حکومت است و مبارزه با اعدام يك رکن مهم مبارزه مردم علیه این حکومت است. در هفته های گذشته شما در سطح جهان به دفاع از این خواست انسانی مردم ایران بلند شدید و پرچم لغو مجازات اعدام و سنگسار را بالاتر بردید.

۶- و مهمتر از همه، شبکه های بزرگی از اکتیویست ها به همت شما شکل گرفت که میتوان امیدوار بود که این شبکه ها هر بار قدرتمندتر و

است. رابطه جنسی، امر خصوصی افراد است و هیچ کس نمی تواند در مورد آن دخالت کند چه رسد به اینکه کسی را دستگیر کند و چه رسد به اینکه بخواهند کسی را سنگسار کنند. امروز دنیا بلند شده و دارد به اعدام و سنگسار و به حکومت اسلامی "نه" می گوید.

بعنوان کسی که سال های سال است علیه جمهوری اسلامی مبارزه می کنم، اعلام می کنم که دنیا باید این تفسیر را بپذیرد که جمهوری اسلامی باید جراحی شود. نمی شود در ایران "حکومت پنج" کرد و مثل افغانستان يك "کرزای" دیگری را روی کار آورد. ما حکومت اسلامی را از آن جامعه جراحی می کنیم و به همراه آن به اعدام، سنگسار، آپارتاید جنسی و به دخالت قوانین اسلامی و مذهبی در زندگی مردم هم بطور

مردم جهان یا مردم ایران و مبارزه آنها برای خلاص شدن از دست این حکومت احساس همبستگی میکنند و این برای مردم ایران بسیار گرانبه و یاری دهنده است.

۴- به همت تلاش شما و افشای گسترده جمهوری اسلامی، ساخت و پاخت و مماشات با این حکومت برای دولت هائی که این سی سال کنار این حکومت بودند و درمورد جنایاتش سکوت کردند، دشوارتر شد. و این نیز مستقیما بر مبارزه مردم ایران تاثیر میگذارد.

۵- خواست لغو مجازات اعدام و سنگسار از خواسته های مهم مردم ایران است. جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن تا کنون نزدیک به صد هزار نفر از عزیزان مردم را به جرم مخالفت سیاسی با این حکومت، به جرم داشتن عقیده ای

مبارزه با سنگسار به تاریخ قبل از ۲۴ جولای ۲۰۱۰ و تاریخ بعد از ۲۴ جولای ۲۰۱۰ تفکیک می شود. برای اینکه ما دیگر داریم می گوئیم که نمی گذاریم، به هیچ قیمت نمی گذاریم هیچ زنی را سنگسار کنند. نه در ایران، نه در افغانستان، نه در سودان و نه در هیچ کشوری. ما دیگر نخواهیم گذاشت همجنسگرایان را سنگسار کنند. این وحشیگری مطلق است. این بربریت است و من از مرکز شهر ونیز در ایتالیا، به همه کسانی که امروز به خیابانها رفتند و در کشورهای مختلف تظاهرات کردند، به فراخوان ما جواب دادند و طومارهای اعتراضی امضا کردند، از طرف خود بعنوان مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار و از طرف سکینه محمدی آشتیانی و فرزندان، سجاد و سعیده، درود می فرستم و می گویم باید این مبارزات را ادامه داد. جمهوری اسلامی فقط با این اعتراضات بین المللی، فقط با این فشارهای بین المللی است که عقب رانده میشود. هم اکنون، بعد از این همه اعتراض، دارد می گوید سکینه را سنگسار نمی کنیم ولی اعدامش می کنیم! ما اجازه نخواهیم داد سکینه را اعدام کنند. سکینه هیچ جرمی مرتکب نشده

مغرب تر از گذشته در مقابل اعدام ها و سنگسارها قد علم خواهند کرد و مردم ایران را در مبارزه بسیار انسانی شان علیه این حکومت توحش مذهبی یاری خواهند داد. به شما اطمینان میدهم که شما امید به رهائی و امکان رهائی از شر این حکومت را برای مردم ایران و جهان تسهیل نمودید. شما قدم بزرگی این مبارزه تماما انسانی برای سرنگونی این حکومت و شکل دادن به جامعه ای آزاد و برابر و انسانی را به جلو بردید. بنابراین قدر شبکه هائی که ایجاد کرده اید را بخوبی بدانید و هر چه بیشتر آنها را تقویت کنید.

دست تک تک شما عزیزان را میفشارم و امیدوارم که مبارزه شما هرروز قدرتمندتر و سازمان یافته تر شود و نقش هرچه بیشتری در کنار مردم ستمدیده ایران ایفا کند.

مینا احدی-سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار-۱۹ جولای ۲۰۱۰

قطع پایان میدهم. ما با این جنبش، داریم اعلام می کنیم که دیگر اجازه نخواهیم داد در رختخواب ها دوربین بگذارند و راجع به نحوه رابطه ما نظر بدهند و تصمیم بگیرند. این يك جنبش است در دفاع از انسانیت. این يك جنبش است در دفاع از حقوق و برابری و حرمت زنان. این يك جنبش است علیه اعدام و علیه سنگسار. این يك جنبش است برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان دادن به مصائبی که میلیون ها نفر در ایران، سی سال است دارند با آنها دست و پنجه نرم می کنند.

زنده باد جنبش انسانی در دفاع از حقوق انسانی مردم در ایران. مرگ بر حکومت اعدام و سنگسار. از مرکز شهر ونیز در ایتالیا به همه شما عزیزان درود می فرستم. *

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

کمک های مالی به کانال جدید

سیاوش آذری ۴۵۰ یورو

عباس ایاق ۱۸۰ دلار

ام - از ایران ۱۰۰ دلار

اساس سوسیالیسم انسان است

باز شدن پرونده ...

از صفحه ۱

تا آنرا بر زمین بکوبند. جنجال بر سر عکس خمینی بلافاصله پژواکش پاره کردن عکسهای بیشتر و شروع مرگ بر خمینی بود. و طرفین فوراً وحشت زده کشاکش بر سر عکس خمینی را کنار گذاشتند. اکنون به "مقدس" دیگری متوسل شده اند و آن جنگ با عراق است. در پشت این موضوع نیز دنیایی جنایت و زجر و خشم و لجن و کثافت نهفته است. پا گذاشتن جناحهای حکومت به عرصه "نگفته های" جنگ ایران و عراق، هم از سر ناچاری است و هم برایشان بسیار گران تمام میشود. اینجا دیگر طرفین بسادگی نمیتوانند گریبان خود را خلاص کنند. این جنگ یکی از جنایتهای عظیم تاریخ بشریت است که در آن میلیونها نفر نابود شدند، دهها میلیون خانواده عزیزان و بستگانشان را از دست دادند و داغدار شدند. زندگیهایی بسیاری نابود شد و از هم گسست. میلیونها نفر معلول و زمین گیر شدند. مشقات بسیاری بر مردم عراق و ایران وارد شد که قابل توصیف نیست. اگر این جنگ جنایتکارانه برای حکومتی ها مقدس است دقیقاً به همین دلیل برای مردم مورد خشم و نفرتی بی پایان است. میرحسین موسوی در پاسخ به محسن رفیق دوست که دولت موسوی در سال ۶۷ را عامل شکست در جنگ قلمداد کرده بود میگوید "بنده هنوز لب به سخن درباره دهه اول انقلاب باز نکرده ام و هیچ گاه هم میل نداشته ام در این باره صحبت کنم ولی ظاهراً مجبورم در صورت ادامه این تحریف ها برای دفاع از رزمندگان سلحشور و مدیران برجسته ای که در این میان سهم عمده داشتند ناگفته های خود را بگویم و نیز بگویم که استعفای سال ۶۷ بر سر چه بود". از همین جملات میتوان فهمید که جناب موسوی هم از اینکه فرصتی یافته است در برابر فشارهای سنگینی که به او وارد میشود از خود دفاع کند خوشحال است و هم در عین حال نمیخواهد لب به سخن بگشاید. تازه اگر هم لب به سخن بگشاید قرار است از "رزمندگان سلحشور و مدیران برجسته" دفاع کند. و این برای مردمی که مشقات بی پایان جنگ

داد. نمیتوان از خمینی دفاع کرد و از جنگ دفاع نکرد. و این حقیقتی است که هیچکدام از اینها قابل دفاع نیستند. جنگ ایران و عراق شاکیان بیشماری دارد. همه گناهان و جنایات را نمیشود به گردن صدام انداخت. سهم او و حکومت جنایتکارش را اگر هم نصف کل جنایات بگیریم او بهر حال اعدام شده و حکومتش از صحنه حذف شده است. اما این خمینی بود که بلافاصله جنگ را برکت الهی نامید و به آن چنگ زد. این خمینی بود که جامعه و انقلاب را به بهانه و تحت سایه جنگ نابود کرد و به خون کشید. او بود که مدام بطور يك جانبه بر ادامه جنگ تا فتح بغداد پافشاری کرد و تا زمانی که جام زهر را نوشید از این پافشاری دست بر نداشت. تمام دست اندرکاران حکومت در این دوره مقصرند. حتی آنها که احیاناً بطور مستقیم در این جنگ نقشی نداشته اند. يك نکته هم در این رابطه مهم است که تاکید کنیم و آن اینکه این جنگ دو طرف داشت یکی دولت عراق و یکی جمهوری اسلامی. و قربانیانش هم در دو طرف جبهه قرار داشتند و قابل دفاع هستند. نه فقط رنج ها و زجر ها و قربانی شدن مردم ایران قابل بخشش نیست، بلکه جنایات جنگی گسترده علیه مردم رنج دیده عراق نیز قابل بخشش نیست. و هر انسانی، هر کسی که چشمش را ناسیونالیسم و ارتجاع اسلامی کور نکرده است، به هر دو سوی این جنایت فکر میکند و نسبت به آن عکس العمل نشان میدهد. مردم ایران در پی انتقام جویی از جنایتکاران نیستند و نباید باشند. اما به درجه ای که آزادی شان از دیکتاتوری خونبار و کثیف اسلامی الزام آور میکند میخواهند و باید به جنایات جنگ و عاملین اصلیش بپردازند و آنها را مورد بازخواست و محاکمه قرار دهند. مردم ایران باید با سرنگونی حکومت اسلامی يك بار برای همیشه به دوره جنگ و کشتار و دیکتاتوری و جنایت و توحش پایان دهند. بازبینی پرونده جنگ ایران و عراق یا در واقع جنگ حکومت اسلامی و حکومت عراق، برای درس گیری از این جنایت بزرگ مهم است.

*

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
 - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
 - ۳- لغو مجازات اعدام
 - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
 - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
 - ۶- جدایی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
 - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - ۱۰- تامین و تضمین يك زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به يك میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادخواهان مردم است. اینها خواستهای حداقل فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هر کس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۸۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

فرانسه و کانادا با

یابک بزوی (کانادا - آمریکا) : تلفن: ۰۰۱-۷۱۴-۷۵۸۳۳۳۳
ایمیل: babakyazdi@yahoo.com

زیی اسلی (غرب کانادا - وکتوریا) : تلفن: ۰۰۱-۶۰۲-۷۷۷۸۹۶
ایمیل: zariasli@yahoo.ca

فرانسه یا

انسترات نسیمه نوری: تلفن: ۰۰۳۳-۳۳۹۱۷۷
ایمیل: info@shahrooz.com

جلیل جلیلی (انگلستان): تلفن: ۰۰۴۴-۰۷۹۵۰۲۴۴۴۴
ایمیل: jallilik@yahoo.com

مهن کونوا (آلمان): تلفن: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۷۰۵۹
ایمیل: mahinkusha@t-online.de

کارل مارکس

سرمه (کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

بازتاب هفته

باغ بادام!



احمد فاطمی

متوسط شهروندان کشورهای سر پناهی مردمش خوب میخورند و سر پناهی دارند و شاید امید هایی برای خود و فرزندان خود، معادل تقریبی دو سال افغانها! البته صحبت از "عمر تقریبی" انسانهایی مثل زرگونه خود طنز تلخی است. کدام عمر، کدام زندگی؟

این "جرم" دستگیرش کردند و مقامات حکومت به زندانش انداخته اند. عکسش را که نگاه میکنی دخترک خردسالی را میماند با چشمانی پر از اشک و لبانی که جسارت ندارند بروی فریادی که شاید در تمام عمر در گلوش لانه کرده باز شوند. دستپایش را بر زانویش جفت کرده. نه از روی "اخلاق"، شاید از اینرو که در این جهان با این همه



حیبیه ۳ سال از ۱۰ سال مجازاتش به جرم کشتن شوهرش را در این سیاهچال گذرانده است. فرزندش که در همین زندان به دنیا آمده هنوز پس از سه سال پا نگرفته و بشدت علائم سوء تغذیه را نشان میدهد. (عکس از او، آ. پ. دیوید کاتن فلدر)

فقط ۶۰ دلار (سال ۲۰۰۶) است و میانگین در آمد سالانه بخش بزرگتر خانواده های افغانی از این هم کمتر (۳۷۶ دلار در سال ۲۰۰۷). حالا این رقم را با تولید ناخالص مثلا سوئد (۵۵۶۲۰ دلار) مقایسه کنید تا به عمق فلاکت پی ببرید. آمار رسمی سازمان ملل با همان بیشمری معمول نشان میدهد که در سال ۲۰۰۷ بیست و پنج میلیون نفر از جمعیت افغانستان با روزی زیر یک دلار سر کرده اند و قیمت نان که اساسی ترین غذای افغانستان تنها در همان سال از قرصی ۱۱ سنت به ۲۲ سنت رسید که کفایت خرید چهار قرص نان تافتون را هم نمیکند. و امینه که او هم اسم فامیلش را نمیداند و یکی از ۳۰۰ هزار بیوه ساکن کابل است میگوید به لطف سخاوت نانواي محله روزی ۴ قرص نان مجانی تحویل میگيرد. آتروزی که لطف و سخاوت نانواي محله ته بکشد عجیب نخواهد بود که امینه هم به جرم "سوء اخلاق" به صف ساکنان باغ بادام پیبوند. قندی (او هم بدون اسم فامیل) را به اتهام دزدیدن يك تلفن همراه به زندان انداخته اند. قندی

شهروند افغانستان بودن رقص بر گلهای نیست. این جامعه ایست تحت حاکمیت قانون جنگل که لاجرم به قهقرا میبرد. و در هر لحظه این سقوط، خشونت و بیستی را در ابعاد اجتماعی بازتولید میکند. اینکه در افغانستان که دختران را در ۹ سالگی به خانه پیرمردان پوفیل میفرستند و در راه مدرسه اسید بارانشان میکنند و سنگباران زنی که تنها مسافر يك مینی بوس است را عین "اخلاق" میدانند، تعداد زنان زندانی به "جرائم اخلاقی" روز به روز افزایش مییابد نه تنها عجیب نیست، تازه قابل درک تر است. عجیب نیست چرا که تولید ناخالص ملی افغانستان

انسان بجز تن خودش تکیه گاهی سراغ ندارد. زرگونه میگوید نگران سرنوشت فرزندانش است. زرگونه میگوید که از آینده میترسد. زرگونه اسم فامیلش را نمیداند. کسی چه میداند شاید در فراموشی نام پدرش هم حکمتی باشد. هم بند زرگونه، زهرا نوری اما هم اسم فامیلش را میداند و هم اینکه ۲۹ ساله است. زهرا حتی میداند که چرا در زندان است: فقر! زهرا میگوید که پسر اربابش يك روز با دو تن از دوستانش بخانه آمد، و بعد زهرا به زندان افتاد. جرم زهرا در خانه ارباب تنها بودن با سه مرد بوده است! میگوید مساله نه قانون است و نه عفت عمومی جامعه.

زرگونه حتی نمیداند که چند سال دارد و این ندانستن شاید خود از غریزه بقاء منشاء میگیرد. آیا دل آنرا دارد که از زرگونه آنچه را که در روزها و شبها و سالهای عمر تقریبیش بر او رفته پیرسید؟ زرگونه نماد دریند میلیونها زن "آزاد" افغانیست که برای گذران يك روز "زندگی" بطور غریزی گذشته را به فراموشی میسپارند و به آینده که فقط ترسناک است نمی اندیشند. زرگونه میگوید روزی که برای سرزدن به گور پسرش تنها مسافر يك مینی بوس بود، تعدادی مرد ناگهان با فریاد چنده، چنده! مینی بوس را سنگباران کردند و به

در حاشیه شهر کابل زندان جدیدی ساخته اند و اسمش را گذاشته اند "باغ بادام". میگویند این تنها زندان ویژه زنان افغانستان است و بخش بزرگتر زنان زندانی در زندانهای عمومی غیر ویژه که شرایط وحشتناکتری دارند محبوس هستند! این زندان را از محل کمکهای مالی بین المللی به دولت افغانستان ساخته اند و بنا بر این باید یکی از افتخارات دولت افغانستان بحساب بیاید. چرا که بر خلاف میلیاردها دلار اعتبارات و کمکهای جهانی که در کیسه دزدان و غارتگران دولتی و غیر دولتی و سران عشایر و طالبان های سابق و امروز غیب میشود تا بلکه يك نظام فاسد دولتی اسلامی را زنده نگهدارد که نه نظام است و نه قابل حفظ، باغ بادام را با کتابخانه های خالی کلاسهای درسش و برنامه آموزش زبان انگلیسی اش میشود دید و نقشش را در حفظ نظام لمس کرد. بخش بزرگتر زنان زندانی "محبوم" به "جرائم اخلاقی" هستند. مثل "زرگونه"، زنی که بجرم تن فروشی قرار است سالهایی از عمرش را در این جهنم به جای جهنمی که برای او و ملیبونها زرگونه و سیمینه دیگر در آنسوی دیوارهای بتونی ساخته اند سر کند. حدس زدن عمر او از روی عکسش غیر ممکن است. آخر عمر متوسط مردم افغانستان فقط ۴۷ سال است و هر یکسال از عمر

جنتی در چمکران:

نظام چندین بار در آستانه سقوط بود!



محمد شکوهی

ای، فتنه های دیگری هم ایجاد شد که "حتی چندین بار تا حد سقوط نظام رفتیم"، اما همان خدایی که نگاهبان انقلاب در واقعه صحرائ طبس بود، باز هم انقلاب را حفظ کرد! وی در ادامه به مدح و ثنای رهبر و ولی فقیه پرداخت و گفت: "بعد از آن که امام نهم، دهم و یازدهم در سنین جوانی به شهادت رسیدند، معلوم شد که

اعترافی که بارها از زبان هر مقام حکومتی که پا به منبر میگنارد شنیده میشود. اینکه امروز در چمکران هم سخن از نزدیک شدن چند باره حکومت به لبه سقوط گفته میشود، هم جدیت از هم گسیختگی حکومت را جلوی چشم میگنارد و هم تلاشی است برای تقویت "رهبر" که چیز چندانی از او نمانده است و هفته پیش ناچار شد خود در تایید خود فتوا بدهد و خود را ولی امر مسلمین جهان و لازم الاطاعه بخواند. فی الواقع هم جای حکومتشان در همان چاه چمکران است.*

مشرّف شدند که یکی از آن ها شخصی به نام میرجهانی بود که من هم او را دیدم. در واقع هرچه حکومت در روی زمین وضعش خراب تر میشود، دست اندرکارانش بیشتر به آسمان پناه میبرند و خلسه اوارد و احادیث و اراجیف را به کمک می طلبند. سخنان جنتی و اشاره اش به اینکه جمهوری اسلامی چندین بار ممکن بود سرنگون شود، که امدادهای های خدا و رهبری نماینده خدایش، یعنی خامنه ای نظام را نجات داد، اعتراف دیگری به وضعیت بسیار شکننده حکومت است.

انسانها لیاقت حضور داشتن امام معصوم را در جمع خود ندارند و به همین دلیل امام زمان باید غیبت می کرد. به همین دلیل در زمانی که امام خینی رحلت کرد، خداوند متعال سمت رهبری انقلاب را بر مقام معظم رهبری محول کرد و ایشان مأمور شد از طرف خداوند که این انقلاب را و این نظام را و این راه علی را حفظ کند و ادامه دهد. ادعاها در مورد امام زمان، در این باره به قدری زیاد شده است که حتی عده ای دیدار امام زمان را به کل منکر می شوند، اما در کنار تمام این دروغ ها عده ای به خدمت امام زمان

بازتاب هفته

ناگفته های جنگ ایران و عراق



بهروز مهر آبادی

در متن اعتراضات وسیع مردم اختلافات جناحها و گروههای مختلف داخل رژیم بیشتر می شود و سران رژیم دست یکدیگر را رو می کنند. دست اندرکاران سی و یک سال حکومت اسلامی یکدیگر را تهدید به افشاگری و بیان حقایق می کنند. روزهای اخیر بحث بر سر چگونگی خاتمه جنگ ۸ ساله ایران و عراق بالا گرفت و در این میان حقایق تازه ای بیان شد و گوشه هایی از دلایل اجبار خمینی به نوشیدن جام زهر و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل برای پایان جنگ با عراق و نامه محرمانه خمینی به مسئولان رژیم درباره این تصمیم گیری افشا گردید. در این نامه به سه گزارش اشاره شده است. گزارش سید محمد خاتمی بعنوان مسئول تبلیغات جنگ که در آن نوشته است: "بسیجی ها و مردم به جبهه نمی روند و ما نیرو کم داریم." خاتمی در گزارش خود خستگی و بیزاری مردم از جنگ را بیان می کند. گزارش دوم مربوط محسن رضائی فرمانده وقت سپاه پاسداران است که برآورد کرده است برای پیروزی در جنگ امکانات سپاه باید هفت برابر و تجهیزات ارتش باید دو و نیم برابر شود. گزارش سوم مربوط به نخست وزیر و دولت است که وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده اند."

محسن رفیق دوست از فرماندهان سپاه در دوره جنگ ایران و عراق روز ۲۸ تیر در مصاحبه ای به نامه محسن رضائی اشاره نمود و آن را طرحی برای تصرف بغداد اعلام کرد و از دولت موسوی مسئول شکست در جنگ قلمداد نمود. بخشی از مصاحبه رفیق دوست در مورد خریدها و معاملات است که

سپاه بدون موافقت دولت انجام داده است. میر حسین موسوی نخست وزیر زمان جنگ روز سه شنبه گذشته در يك سخنرانی در کرج در پاسخ به رفیق دوست گفت که ۴ میلیارد دلار از درآمد نفت یعنی دو سوم از کل درآمد نفت مستقیماً در جنگ مصرف می شد. او در پاسخ به رفیق دوست گفت: "اگر دولت را در دست می گرفتید بر سر کشور همان می آوردید که در طول مدیریت خود بر سر بیت المال و اموال مستضعفان و یتیمان در بنیاد مستضعفان آوردید." موسوی گفت: "بنده هنوز لب به سخن درباره دهه اول انقلاب باز نکرده ام ولی ظاهراً مجبورم در صورت ادامه این تحریف ها ناگفته های خود را بگویم." او در ضمن صحبت های خود گفت که اگر ناچار شوم ناگفته های جنگ را خواهم گفت. جر و بحث رفیق دوست و موسوی بار دیگر دزدی ها و جنایات دست اندرکاران رژیم را بر ملا می کند. کسانی که تا چند سال پیش دست در دست هم حکومت جانپان را اداره می کردند، حالا یکدیگر را تهدید به افشاگری می کنند. در پس همین کشمکش کوچک به خیلی مسائل اعتراف کرده اند: به حیف و میل ها و سوء استفاده های بزرگ مالی، به بیزاری مردم از جنگ، به دروغ های بزرگی که در زمان خود درباره وضعیت مالی کشور می گفتند و به ادعاهای مسخره و پوچشان در مورد پیروزی در جنگ. این افشاگری ها و این جنگ و جدال ها بین دستجات مختلف حاکمان قدیم و جدید اسلامی تمام نمی شود و ادامه خواهد داشت. این مقدمه شروع محاکمات بزرگ است. خودشان هم این را می دانند، خودشان را برای پاسخگویی در مقابل دادگاه های مردمی آماده می کنند. یکی از پرونده هایی که باید بدان پاسخ گویند همین جنگ جنایتکارانه با عراق است که میلیونها نفر کشته و مجروح و بی خانمان شدند و جنایات غیر قابل توصیفی در آن صورت گرفت. میلیونها نفر از مردم این کشور که عزیزانشان قربانی شدند، زندگی شان

نابود شد، و مشقت و دردی جانکاه به آنها تحمیل شد، پاسخ می خواهند. مجادلات امروز در واقع شروع محاکمات فرداست.*

انتشار اسناد جنگ افغانستان در "ویکی لیکس"

بهروز مهر آبادی

یکشنبه شب گذشته نزدیک به ۹۲۰۰۰ سند جدید در سایت ویکی لیکس انتشار یافت. این اسناد که جزئیات فراوان از وقایع پنهان در جنگ افغانستان بین سالهای ۲۰۰۴ تا آخر سال ۲۰۰۹ را افشا می کند بطور همزمان توسط روزنامه های گاردین، ایشپگل و نیویورک تایمز منتشر شد. از جمله این افشاگری ها حمایت سازمان اطلاعات پاکستان آی اس آی از نیروهای طالبان، تماس مستقیم با طالبان و حمایت مالی و نظامی از گروههای اسلامی و همچنین حمایت و همکاری رژیم ایران با طالبان و تقویت آن در افغانستان و همچنین دستیابی طالبان به سلاح های پیشرفته نظیر موشکهای ضدهوایی حرارت یاب است. در این اسناد آمده است که رژیم ایران واسطه معامله اسلحه بین طالبان و کره شمالی بوده است و در سال ۲۰۰۷ به ۹۰ نماینده مجلس افغان مبلغ چهار میلیون دلار رشوه پرداخت کرده است. در این اسناد کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان افغان از جمله کودکان دبستانی بدست نیروهای ارتش آمریکا و ناتو فاش شده است این اسناد در اختیار وزارت دفاع آمریکا بوده و دست یافتن سایت ویکی لیکس به آنها و انتشار علنی آنها خشم مقامات آمریکائی را برانگیخته است. دولت آمریکا انتشار این اسناد را بر علیه امنیت ملی آن کشور اعلام کرد. سایت ویکی لیکس در سال ۲۰۰۷ بوجود آمد و به انتشار اسناد و گزارش های محرمانه دولت ها و شرکت های بزرگ می پردازد. انتشار ویدئوی کشته شدن دوازده غیرنظامی عراقی توسط یک هیلکوپتر آپاچی ارتش آمریکا دنیا را تکان داد. این واقعه در سال ۲۰۰۷ اتفاق افتاد و پنتاگون تا زمان انتشار این ویدئو از اعتراف به این جنایت خودداری کرده بود. در

آمریکا در این مورد نتوانسته است عکس العمل نشان دهد.

انتشار میلیونها سند در سایت ویکی لیکس بار دیگر نشان داده است وقتی عبارت "محرمانه" از طرف دولتها و موسسات بزرگ تجاری و مالی بر روی اسناد نقش می بندد فقط بخاطر پنهان داشتن جنایات، دزدی ها و غارتگری ها است. "محرمانه" بودن این اسناد دور نگاه داشتن مردم و افکار عمومی از حقایق است. و این واقعیت نشان داده شد که در مقابل پیشرفت و تمدن نمی توان ایستاد. افشای اسناد جنایات دولت های دموکرات و موسسات سرمایه داری توسط ویکی لیکس فقط مرهون پیشرفت تکنولوژی و قدرت شبکه اینترنت نیست. این یک خواست اجتماعی و نیاز انسان متمدن جهان امروز است که روز به روز عمق و گسترش می یابد. ممکن است که دولتها بتوانند جلوی این سایت را بگیرند و یا گردانندگان آن را دستگیر کنند. ولی ایستادن در مقابل این عطش و خواست اجتماعی غیر ممکن به نظر می رسد. در مورد این اسناد سخن بسیار میتوان گفت و باید گفت. نفس این اسناد کیفر خواستی علیه دولتها "متمدن" بورژوازی است. آنچه در يك کلام جا دارد در اینجا تاکید کنیم همان است که در برنامه حزب کمونیست کارگری از حدود بیست سال پیش بر آن تاکید شده است و آن اینست که مردم حق دارند حقایق را بدانند و سانسور دولتها بر اطلاعات باید کاملاً برداشته شود. در برنامه حزب در این رابطه این حقوق از حقوق بدهی مردم شمرده شده است که باید به صورت قانون جامعه در آید: "حق جستجو و اطلاع از حقیقت در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی. ممنوعیت سانسور، ممنوعیت کنترل دولت و یا مالکان و مدیران رسانه ها بر اطلاعاتی که در اختیار شهروندان قرار می گیرد. آزادی حسابرسی و نظارت نمایندگان مردم بر فعالیت ها و اسناد و دفاتر نهاد های دولتی. ممنوعیت دیپلوماسی سری." و با افشای اسناد فوق الذکر هرکسی باید متوجه شده باشد که چرا این حقوق اساسی و مهم و حیاتی است.*

این قتل عام دو خبرنگار خبرگزاری رویترز نیز کشته شدند. از جمله گزارشات این سایت می توان از فجایع سومالی، فساد مالی و ارتشا در کنیا، وضعیت زندان گوانتانامو، انتشار اسامی اعضای حزب دست راستی با تمایلات فاشیستی "ان پی دی" در انگلیس، و اسنادی از افتضاح مالی یک بانک بزرگ سوئیسی نام برد. انتشار اسناد محرمانه جنگ افغانستان واکنش های مختلفی را برانگیخت. مقامات آمریکائی انتشار این اسناد را جنایتکارانه و بر علیه امنیت ملی این کشور اعلام کردند. در عین حال صحت این اسناد از طرف آمریکا مورد تأیید قرار گرفت. دولت های پاکستان و ایران که نمی خواهند به حمایت و همکاری خود با طالبان اقرار کنند، صحت این اسناد را انکار نمودند. اما کمتر تردیدی در واقعی بودن این اسناد وجود دارد. سردبیر سایت ویکی لیکس اعلام نمود که ۱۵۰۰۰ سند منتشر نشده دیگر در مورد جنگ افغانستان وجود دارد که در آنها حقایقی از انجام جنایات جنگی توسط نیروهای آمریکا و ناتو وجود دارد. روزنامه انگلیسی گاردین نوشت این اسناد واقیعت شکست تلخ در افغانستان را نشان می دهد. انتشار این اسناد نشان داد که سد سانسور در مقابل اینترنت نمی تواند مقاومت کند. این افشاگری عظیم دولتهای آمریکا و اروپائی را در مقابل افکار عمومی مردم مورد بازخواست قرار داد. دولت آمریکا بجای پاسخگویی به مردم برای فجایعی که در اسناد منتشر شده افشا شده، در جستجوی آن است که منبع افشای این اسناد را پیدا کند. پس از اینکه ویدئوی کشتار غیر نظامیان در عراق توسط سرنشینان هلیکوپتر ارتش آمریکا انتشار یافت. مقامات آمریکائی بجای تعقیب و محاکمه قاتلان، یک کارشناس ۲۲ ساله ارتش بنام برادلی مینینگ را بجرم انتشار این ویدئو دستگیر و زندانی کرد. انتشار اسناد اخیر ناتوانی و عجز آمریکا و ناتو را در افغانستان نشان داد. سیاست آمریکا در افغانستان شکست خورده و نزدیک ترین متحد آمریکا در منطقه یعنی پاکستان با دشمن آمریکا یعنی القاعده همکاری نزدیک دارد و دولت

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



اطلاعیه شماره ۱۵: آخرین اخبار از کارگران زندانی کارگر زندانی آزاد باید گردد

بعد از ۴۴ روز بازداشت هیچ خبری از بهنام ابراهیم زاده در دست نیست. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک در ۲۲ خرداد دستگیر شد و همانطور که قبلاً نیز گزارش کردیم در همان تماس روز اول از بهداری زندان خبر داد که مورد ضرب و شتم شدیدی قرار گرفته و دو دنده و پای او شکسته است. از آنزمان تا امروز خبری از او در دست نیست. علیرغم مراجعات هر روزه همسرش، به آنها پاسخی داده نمی‌شود و مقامات زندان اظهار بی اطلاعی کامل میکنند. خانواده وی بشدت نگران بهنام هستند. مادر و برادر بهنام در ۳ مرداد طی نامه ای به انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان طلب کمک کردند. اکنون با گذشت روزهای بیشتر، نگرانی خانواده او و همکارانش از وضعیت بهنام بیشتر شده است.

رضا شهبانی از اعضای هیات

مدیره سندیکای واحد از ۲۲ خرداد در زندان است و جز دو تماس با خانواده اش خبری از او نیست.

مهدی فراهی شانندیز از فعالین کارگری از ۱۴ خرداد در زندان است و مادر او نیز طی نامه ای به نهادهای بین المللی خواست آزادی فرزندش از زندان را و حمایت جهانی را اعلام داشت.

منصور اسانلو و ابراهیم مددی نیز همچنان در زندانند و علیرغم اینکه ۴ سال از زندانی بودن منصور اسانلو میگذارد و علیرغم اینکه در گزارشات غیر رسمی و تحت فشار اعتراضات جهانی قول آزادی وی از سوی وزیر کار جمهوری اسلامی داده شده بود، اخیراً وی را دوباره به دادگاهشان احضار کردند.

این درحالیست که خانواده های این کارگران نیز زیر فشار هستند و علیرغم مراجعات مکررشان به آنها پاسخی داده نمی‌شود. همچنین کارگانی که به قید وثیقه از زندان

آزاد میشوند، زیر فشار اخراج از کار قرار دارند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل داده اند که هر وقت که خواستند به دادگاه احضارشان کنند و چماق زندان و سرکوب را روی سرشان نگاهدارند. از جمله هم اکنون سعید تریبان یکی دیگر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد که در تاریخ ۲۹ تیر پس از ۴۲ روز بازداشت، زیر فشار اعتراض و همبستگی جهانی کارگری با قید وثیقه از زندان آزاد شد، توسط حراست شرکت واحد از بازگشت مجدد وی به کار جلوگیری شده است. به همین صورت ۶ عضو سندیکای نیشکر هفت تپه نیز مرتباً زیر فشار قرار دارند. در نیشکر هفت تپه حراست این کارخانه این کارگران را بعد از آزاد شدن از زندان از کار اخراج کرده و حتی فریدون نیکوفر را زیر فشار قرار داده است که منزل سازمانی را تخلیه کند و اگر این کار را انجام ندهد، وسایلش را به خیابان خواهند ریخت و بیشرمانه شرط بازگشت به کار این کارگران را "توبه" کردن از فعالیت برای سندیکا و محکوم کردن آن، اعلام کرده اند. کارگران سندیکای واحد، کارگران نیشکر هفته تپه همواره در برابر این

فشارها ایستاده و حق تشکل و اعتصاب را حقوق پایه ای خود اعلام داشته اند.

جمهوری اسلامی، فعالین کارگری را زیر فشار گذاشته است، تا تشکل های آنها را که ظرف اتحاد و مبارزه کارگران است، در هم شکند. این کارگران را زیر فشار گذاشته است تا مانع اتحاد و مبارزات سازمانیافته کارگران شود. باید با تمام قدرت در مقابل این فشارها ایستاد.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" همه کارگران، معلمان، دانشجویان و کل جامعه را به مبارزه ای متحد علیه این فشارها و برای آزادی فوری کارگران زندانی از زندان

فرا میخواند.

"کمپین برای آزادی کارگران" برای آزادی تمامی کارگران از زندان تلاش میکند و همگان را به پیوستن به این کمپین فرامیخواند.

کارگرنزدانی، زندانی سیاسی آزادی باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۴ مرداد ۱۳۸۸ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰

شهبان دانشفر:

00447779898968
Shahla_Daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش:

00447852338334
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

اطلاعیه شماره ۱۴: تعرض و گستاخی به کارگران نیشکر هفت تپه را قاطعانه پاسخ دهیم

جمهوری اسلامی در برابر اعتراض کارگران اخراجی سندیکای نیشکر هفت تپه به اخراجشان از کارخانه، گستاخانه از فریدون نیکوفر و چند عضو دیگر سندیکای نیشکر هفت تپه خواسته است برای اینکه به سر کارشان بازگردند توبه کنند و سندیکایشان را محکوم کنند. قبل از آن نیز حراست نیشکر هفت تپه به فریدون نیکوفر که از رهبران محبوب کارگران است اعلام کرده بود که منزل سازمانی را تخلیه کند و در صورت خودداری وسایل او را به خیابان خواهند ریخت. این تلاشها و فشارها در واقع انتقام جمهوری اسلامی از مبارزات پرشور کارگران نیشکر هفت تپه است که حکومت را عقب راند. جمهوری منحوس اسلامی امروز دارد انتقام مبارزه سال گذشته کارگران را میگیرد. در برابر این تعرض و گستاخی، همه کارگران نیشکر هفت تپه و تمامی کارگران را به مقابله قاطع و حمایت از همکاران و

رهبران نشان فرا میخوانیم. جمهوری اسلامی که در برابر صف متحد کارگران نیشکر هفت تپه و مبارزاتشان خود را بازنده میبیند و در متن اعتراضات کل جامعه و جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران، به سیم آخ زده و دیوانه بار سر به دیوار میکوبد و به چنین احکامی روی آورده است. قبلاً گزارش کردیم که ۶ کارگر نیشکر هفت تپه علی نجاتی، رضا رخشان، فریدون نیکوفر، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهر به ترتیب ۱۶ ماه، ۶ ماه و بقیه بمدت ۹ ماه است از کار خود اخراج شده اند و در وضعیت معیشتی بسیار نابسامانی بسر میبرند. ۵ نفر از این کارگران ماهها در زندان بودند و رضا رخشان بارها بازداشت شده است. اما در برابر این فشارها سندیکای نیشکر هفت تپه به کار خود ادامه داده و بعنوان صدای اعتراض ۵۰۰۰ کارگر در مناسبت های مختلف رو به جامعه سخن گفته است و ضمن

اینکه حق تشکل و اعتصاب و تجمع را حقوق پایه ای خود دانسته در برابر تهدید و فشار و زندانی کردن کارگران صدای اعتراض را بلند کرده است.

از سوی دیگر کارگران نیشکر هفت تپه وجود تشکل خود را قدر دانسته و با ایجاد صندوق همبستگی رهبران خود را مورد حمایت و پشتیبانی قرار میدهند. موضوعی که خود بر هراس رژیم شدت داده و بارها این کارگران بخاطر داشتن صندوق همبستگی با کارگران اخراجی خود به اخراج تهدید شده اند. کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه شایسته وسیعترین حمایت و پشتیبانی هستند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تمام قوا از کارگران نیشکر هفت تپه حمایت و پشتیبانی میکند. کارگران نیشکر هفت تپه تا همین جا الگوی خوبی از اتحاد و همبستگی بدست داده اند، باید این صف متحد را متحد تر کرد.

در متن اوضاع پر التهاب جامعه، جمهوری اسلامی از به میدان آمدن کارگران آنهم با قدرت اتحاد و تشکلشان بیم دارد. با این حملات جمهوری اسلامی تشکل کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادشان

را نشانه رفته است. با این حملات جمهوری اسلامی کل جنبش کارگری را برای متحد شدن و پیشبرد مبارزات سراسری اش نشانه رفته است. باید با تمام قدرت از کارگران نیشکر هفت تپه و تشکلشان حمایت کرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه سازمانها و نهادهای انساندوست در سراسر جهان میخواهد که در مقابل این تعرض شنیع جمهوری اسلامی و فشار بر روی کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه صدای اعتراضشان را بلند کنند. میخواهد که از کمپین برای آزادی کارگران زندانی حمایت کنند و به هر شکل که میتوانند برای آزادی کارگران زندانی و برای متوقف شدن فشار بر روی رهبران کارگری و لغو پرونده های قضایی آنها تلاش کنند. جمهوری اسلامی رژیم توبه و شلاق، و جنایت است. جمهوری اسلامی رژیمی است که فرزند کمانگر معلم آزادیخواه را بخاطر اینکه انسانیت را فریاد میزند کشت. ۵ کارگر در

سندج را بخاطر شرکت در مراسم اول مه به شلاق کشید و به روی کارگران خاتون آباد که علیه بیکارسازی و برای دستمزدهای معوقه خود به اعتراض برخاسته بودند، گلوله بست. جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار آیل او و همه نهادهای بین المللی اخراج شود.

در ایران نیز باید نه تنها کارگران نیشکر هفت تپه، نه تنها کارگران شرکت واحد، بلکه همه کارگران، همه معلمان، و کل مردم متحدانه علیه تعرضات رژیم بایستند و با طومارهای اعتراضی و با شرکت در تجمعات خانواده های کارگران زندانی و با پشتیبانی از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه تعرضات رژیم اسلامی را عقب زنند.

باید با کمپینی گسترده و جهانی به گستاخی های رژیم اسلامی ایران پاسخ داد. از کمپین برای آزادی کارگران زندانی وسیعاً حمایت کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱ مرداد ۸۸ - ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

صدای سیمای حکومت

و ...

از صفحه ۱
حسن صالحی



نظر "کند. حیف که تلویزیون جمهوری اسلامی در ایران ببیننده زیادی ندارد و گرنه پخش صحنه هایی از اعتراض فعالین علیه اعدام و سنگسار منجمله در لندن، علیرغم تفسیر رژیم اش، بهترین تبلیغ برای این کمپین بود! مسئولین سیمای جمهوری اسلامی فکر کردند که با پخش این گزارش خبری به خیال و زعم خود توانسته اند "معرکه گیری های منافقین" را خنثی کنند ولی مفلوک ها ندانستند که با این کار توجه مردم ایران را به این کمپین بیشتر جلب کردند آن مردم شریفی

ببینند و از درماندگی رژیم در مقابل اعتراض جهانی علیه جنایتش لذت ببرند. (در جریان کنفرانس برلین یعنی حدود ۱۰ سال پیش نیز جمهوری اسلامی بخش هایی از اعتراض مخالفین در این کنفرانس را از تلویزیون رسمی اش پخش کرد به این خیال باطل که علیه انقلابیون و کمونیستها لجن پراکنی کند. ولی همه دیدند که چگونه این عمل به ضد خودش تبدیل شد و سی دی های کنفرانس برلین در تهران در ابعاد وسیعی دست بدست چرخید و اسم حزب کمونیست کارگری ایران بیشتر بر سر زبانها افتاد)

اما يك موضوع که در این گزارش قرار بود بیشتر جلب توجه کند، نسبت دادن سازماندهی این حرکت بزرگ به مجاهدین بود. و حالا چرا مجاهدین که هیچ ربطی به این

سعی می کنند ترسشان را بپوشانند. سعی می کنند به خودشان و نیروهایشان قوت قلب بدهند که خیر اینها همه "هایوست.. (آنهایشان که قدری عاقل ترند البته از شبه لنین بر فراز دانشگاهها حرف زده اند).

بگذار سران جمهوری اسلامی با این خیال ها روزشن را شب کنند. بگذار این جانباں اینطور وانمود کنند که در مقابل جهان متمدن و بشریت آزادیخواه سر تسلیم فرود نخواهند آورد. کمونیستها در پیشاپیش مردم ایران و به همراه بشریت متمدن این دنیای خواب و خیال جمهوری اسلامی را بر سرش خراب خواهند کرد و ریشه خشونت و اعدام و سنگسار در آن مملکت را خواهند خشکاند.*

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پارچه بافی کرمانشاه

به فراخوان مجمع عمومی کارگران پارچه بافی کرمانشاه، فردا یکشنبه سوم مرداد ماه سال جاری کارگران پارچه بافی کرمانشاه فردا همراه با خانواده های خود مقابل استانداری دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

تولیدات بفروش رسیده است. سیصد و پنجاه نفر از کارگران در روزهای هیجدهم و نوزدهم تیر ماه برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه دستمزد معوقه خود دست به اعتصاب زدند!

طی این دو روز اعتصاب و زیر فشار اعتراضات ممتد کارگران، بالاخره "ظاهری" مدیر عامل کارخانه ناگزیر شد بمیان کارگران برود و وعده بدهد که تا آخر تیرماه، چهار ماه دستمزد معوقه کارگران پرداخت خواهد گردید.

اما هنگامی که کارگران در اول مرداد ماه، برای دریافت دستمزدهایشان مراجعه کردند، مدیریت در پاسخ به کارگران اعلام کرد، حقوقی در کار نیست! به سرکارتان برگردید!

کارگران خشمگین از جواب

این کارخانه واقع در کیلومتر ۱۰ جاده شهرستان هرسین زیر نظر شرکت بهساز وابسته به بانک ملت و شرکت خردمند و بانک ملت قرار دارد.

کارگران این کارخانه بیش از چهار ماه است که دستمزدی دریافت نکرده اند، هفت ماه است هزینه بیمه آنها از جانب کارفرما واریز نگردیده است، دفترچه های بیمه آنها فاقد اعتبار است و این در حالی است که همین کارگران، روزانه بیست هزار متر پارچه تولید کرده اند و همه این

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مرداد ماه ۱۳۸۹، ۲۴ جولای ۲۰۱۰

بنا بر آخرین خبر کارگران کارخانه پارچه بافی کرمانشاه، روزهای ۳ و ۴ مرداد در محل کارخانه تجمع کردند. زیر فشار اعتراض کارگران، مدیریت وعده داد که ظرف چند روز آینده طلب آنها را پرداخت کند. این در حالیست که کارفرما از ۵ مرداد را تعطیلی تابستانی اعلام کرده است. کارگران اعلام کردند که اگر به این وعده عمل نشود، با خانواده های خود و به اشکال گسترده تری اعتراض خود را دنبال خواهند کرد.

به حال خود رها شده اند، کارفرمای بیرحم، حتی امکانات درمانی آنان را نیز به گروگان گرفته است.

کارگران کارخانه پارچه بافی کرمانشاه با اعتصاب خود و با اولتیماتوم دادن و پافشاری بر روی خواستههایشان در مقابل زورگویی مدیریت ایستاده اند. تصمیم مجمع عمومی این کارگران مبنی بر ادامه اعتراض به همراه خانواده هایشان یک اقدام مهم و هوشیارانه برای گسترش قدرتمند این مبارزه از جانب این کارگران است. باید این صف اعتراضی را با تمام توان تقویت کرد. حزب کمونیست کارگری ایران از همه کارگران و مردم شرافتمند کرمانشاه و هرسین می خواهد که با پیوستن به تجمع اعتراضی کارگران پارچه بافی کرمانشاه، در مقابل استانداری این شهر، کارگران و خانواده هایشان را تنها نگذارند.

سرپالای مدیریت و وعده های دروغین آنها، بلافاصله، قاطعانه و با تصمیمی راسخ اعلام اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند، تولید متوقف گردید و تا پایان وقت اداری روز دوم مرداد ماه، اعتصاب ادامه پیدا کرد. در این روز کارگران با برپایی مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند که روز یکشنبه سوم مرداد ماه، همراه با خانواده هایشان اعتراض خود را ادامه خواهند داد و در مقابل استانداری کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

عدم پرداخت دستمزد کارگران، جنایت آشکار کارفرمایان و حکومت تبهکار جمهوری اسلامی علیه کارگران و خانواده های آنهاست. خانواده کارگران کارخانه پارچه بافی کرمانشاه، تحت فشار مشقت بار گرانی سرسام آور، چهار ماه است که

میدهد. از جمله هم اکنون کارگران سنديکای نیشکر هفت تپه زیر همین فشارها و تهدیدات هر روزه قرار دارند.

فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری باید متوقف شود. پرونده های قضایی علیه آنها باید فوراً بسته شود. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط از زندان آزاد شود.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی" برای آزادی همه کارگران از



زندان تلاش میکنند. رضا شهبایی، بهنام ابراهیم زاده، مهدی فراهی شاندیز، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران از زندان
۶ مرداد ۱۳۸۸، ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

هزاران حکم اعدام، ۱۰۰ هزار زندانی، ادامه اخراج مهاجرین افغانستان!

محمد شکوهی

اخراج شده‌اند. در ادامه این مقام حکومتی به کارگران مهاجر و کودکان و خانواده های آنها هشدار داده و به آنها اعلام کرده برای روشن کردن وضعیت شان فقط ۳۵ روز فرصت دارند تا خودشان را به اداره جات و اماکن ویژه پیشبرد امور مهاجرین معرفی نمایند. وی در آخر تهدید کرد به محض پایان فرصت ۳۵ روزه هر مهاجری که دستگیر شود، جریمه شده و به افغانستان اخراج خواهد شد! لازم به یادآوری است که در همین رابطه و در راستای به اجرا در آمدن "طرح ساماندهی اتباع افغانی" مصوبه شورای عالی امنیت ملی رژیم رسماً صدها هزار کودک افغانستانی از امکان تحصیل و مدرسه رفتن محروم شده اند. بهانه رژیم نداشتن "مدارک شناسایی" و کارت اقامت در ایران می باشد. در همین رابطه وزارت آموزش و پرورش و سازمانهای وابسته به آن در کنار مسئولان مهد کودک ها، اداره های بهداشت و درمان، و تمامی ارگانهای حکومتی موظف می باشند هر گونه خبر و گزارش مربوط به تردد و کار و

روز دوشنبه ۲ مرداد قدرت الله همت یار مسئول امور اتباع و مهاجران خارجی "استانداری اصفهان بیان کار این ارگان حکومتی را ارائه داد. این بیان در راستای "طرح ساماندهی اتباع افغانی" مصوبه شورای عالی امنیت ملی رژیم است. بر اساس این بیان تعداد ۵ هزار و ۵۰۰ مهاجر افغانستانی دستگیر شده ماهها و سالهاست که در زندانهای اصفهان زندانی می باشند. تعداد ۳۰ هزار نفر دستگیر و اخراج شده اند! فقط در سال جاری بیش از ۸۰۰۰ مهاجر افغانستانی در اصفهان توسط رژیم اخراج شده اند! ۷ اردوگاه "ویژه افغانی ها" و در حقیقت زندانهای محاصره شده با جمعیت هزاران نفره در اطراف اصفهان ایجاد شده است! در سال ۱۳۸۸ تعداد ۹۰ هزار و در سال ۱۳۸۹ تعداد ۷۰ هزار افغان "فاقد مدرک شناسایی" در استان شناسایی شده اند که از ابتدای سال جاری تاکنون بیش از ۳۰ هزار نفر از آنان

اولین بار نیست که جمهوری اسلامی تعرضات گسترده ای را بر علیه مهاجرین افغانستانی مقیم ایران سازمان می دهد. این رژیم از بدو سر کار آمدنش "افغان ستیزی" یک رکن سیاستش بوده است. قربانیان این جنایات دولتی بالغ بر هزاران نفر می باشند. نزدیک به یک میلیون نفر در اردوگاههای اجباری ویژه سکونت مهاجرین محکوم به مرگ تدریجی هستند. خطر اخراج صدها هزار نفر را تهدید می کنند. نزدیک به یک میلیون کودک حق تحصیل ندارند! اجازه کار و فعالیت به این جمعیت میلیونی داده نمی شود. آنجایی هم که کار و فعالیت اجتماعی جریان دارد، باندهای حکومتی مشغول باجگیری و غارت حاصل کار و فعالیت این کارگران می باشند. در یک کلام جمهوری اسلامی جان و زندگی و بخشا ادامه حیات بیش از ۲ میلیون مهاجر افغانستانی مقیم ایران را به گروگان گرفته است. خطر اخراج، اعدام و زندگی ناامن در کنار سرکوب های و حشیانه حکومت فاشیستی - اسلامی، میلیونها انسان را به مرگ تدریجی سازمانیافته دولتی محکوم کرده

است. بشریت متمدن و مردم ایران و مدافعان آزادی و برابری نباید در برابر این جنایات و نسل کشی فاشیستی فقط نظاره گر باشند. باید حکومت جانوران اسلامی را زیر ضرب مبارزه و اعتراض جهانی گرفت. مردم ایران بویژه در این رابطه باید فعالانه تریه این موضوع برخورد کرده و با همبستگی اعتراضات و مبارزات این مردم به حکومت اجازه به اجرا گذاشتن سیاست های ضد مهاجری و ضد افغانی را ندهند. ما نباید در برابر این جنایات سازمانیافته دولتی ساکت بنشینیم. دفاع از حق اقامت و برخورداری از همه امکانات موجود برای این جمعیت میلیونی و تمام حق و حقوق این انسانها یک وظیفه بوده و باید به آن دامن زد. اعتراض و مبارزه در داخل و فشار های جهانی می تواند حکومت جانوران اسلامی را وادار به عقب نشینی و پس گرفتن سیاستهای ضد انسانی این حکومت در برخورد با مهاجرین افغانی بنماید. برای پایان دادن به این نسل کشی و ساختن جامعه ای برابر و پر از رفاه باید همین حکومت را به زیر کشید. مردم ایران دست اندر کار این امر می باشند.

پیام کمیته بین المللی علیه اعدام به مناسبت برگزاری روز جهانی سکینه

روز جهانی سکینه: یک موفقیت

کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته بین المللی علیه سنگسار به هزاران نفری که در سراسر دنیا در اعتراض جهانی به اعدام و سنگسار شرکت و طومارهای اعتراضی برای نجات جان سکینه را امضا کردند تبریک می گوید. مردان و زنان در ۳۲ شهر جهان به خیابانها آمدند تا نشان دهند رفتار وحشیانه نسبت به مردم در هیچ جای جهان را نمی پذیرند. تظاهرات از آمریکا، کانادا و برزیل تا فرانسه، آلمان، سوئد، نروژ، ایتالیا، انگلستان، هلند، گرجستان و استرالیا را در بر گرفت. هزاران نفر در حالیکه عکس های سکینه و باندولهایی در مخالفت با اعدام و سنگسار را در دست داشتند به خیابان آمدند. در این تظاهراتها همچنین نمایشهایی علیه سنگسار داده شد و در برخی از آنها روسریها در انتظار عموم به آتش کشیده شد. رسانه های بین المللی با دست اندرکاران و فعالین تظاهراتها مصاحبه کردند. تلویزیون ها و رادیوهای مختلفی از صحنه های

چندین تظاهرات رپورتاژهای زنده تهیه و پخش کردند. دیروز یک روز مهم برای همه ما بود. مردم از کشورهای مختلف جهان حمایت خود را از سکینه محمندی آشتیانی و فرزندانش نشان دادند. در این روز مردم اعلام کردند که اجازه نخواهند داد سکینه و یا هر کس دیگری سنگسار یا اعدام شود. ما تنها از طریق نیروی متحد مردم می توانیم رژیم جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کنیم و به سنگسار و اعدام خاتمه دهیم. سکینه و فرزندانش امیدوارند که این جنبش هر چه قوی تر شود و به آزادی سکینه کمک کند. این روز موفقیت آمیز گام موثری در تشدید مبارزه برای آزادی سکینه و همچنین علیه سنگسار و اعدام و جمهوری اسلامی خواهد بود. (مینا احدی: سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار (ICAS) و (ICAE) - ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۰ (۳ مرداد ۱۳۸۹)

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است: <http://www.countmein-iran.com>

شماره حساب سوئد: Sweden Post Giro: 639 60 60-3 account holder: IKK
برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود. آلمان:

Post Bank
Germany Rosa Mai 583657502 Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050
Canada Dixie Rd, Mississauga 4900: Canada ICRC Scotiabank
کانادا L4W 2R1 Account #: 84392 00269 13
هلند: Bank: RABOBANK Darande hesab: FVIVN Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا: G street, Blaine WA 98230 277 Bank of America Blaine Branch
ph: 1-360-332-5711 Masoud Azarnoush State proof code : 99
Account number : 41581083 ABA routing # 026009593 Swift code : BOFAUS3N
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England Account nr. 45477981 sort code: 60-24-23 account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green NWBK GB 2L BIC:
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷ مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

حمایت پرشور مردم در ۳۲ شهر جهان از تظاهرات روز ۲۴ ژوئیه، روز سکنه محمدی آشتیانی، علیه مجازات اعدام و سنگسار

برای ندا خواند. مردم به گرمی از این آکسیون حمایت کردند و با کمک مالی و امضای قطعنامه ای که روی پارچه نوشته شده بود از این برنامه استقبال کردند و خواهان آزادی سکنه و لغو مجازات اعدام و سنگسار شدند. پلاکاردهائی برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در دست تظاهرات کنندگان بود.

نروژ: اسلو: در پاسخ به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، ایران سولیداریتی، میشن فری ایران و شخصیت‌های بین المللی مخالف اعدام و سنگسار، در وسط شهر اسلو نیز روز جهانی سکنه برگزار شد. در طول ۲ ساعت برنامه شمار زیادی از مردم اسلو و توریست‌هایی که به این شهر آمده بودند، از غرفه‌هایی که توسط فعالین ایران سولیداریتی و علیه اعدام در اعتراض به سنگسار و با خواست نجات جان سکنه برپا شده بود، دیدن کردند. بیانیه‌های آنها را گرفتند و پتیشن علیه سنگسار و اعدام را امضا کردند. و هم‌دردی خود را نسبت به سکنه محمد آشتیانی و فرزندانش نشان دادند. در این برنامه سخنرانیهایی در مورد وضعیت سکنه، فرزندانش و کلا در مورد زندانیان منتظر احکام جنایتکارانه اعدام و سنگسار در ایران، ایراد شد. نامه فرزندانش سکنه و پیام مینا احدی خوانده شد و با استقبال بازدیدکنندگان روبرو شد.

شرکت کننده که از دیدن عکسهای سکنه شدیداً برافروخته شده بود، پس از امضای طومار می گفت این کار کم است، دیگر چه میتوانم برای متوقف کردن این جنایت بکنم؟ وی و همراهش تعداد زیادی اطلاعیه کمیته بین المللی علیه اعدام به زبان سوئدی را از برگزارکنندگان گرفتند و دو سر محل آکسیون ایستادند و توزیع کردند. نمایش سمبلیک سنگسار که توسط یکی از برگزار کنندگان اجرا شد نیز توجه زیادی را جلب کرد. تعداد زیادی از مردم از نمایشگاه عکس، نمایش سنگسار و طومار بلند امضاها عکس و فیلم می‌گرفتند. مردم زیادی با در دست گرفتن عکس سکنه که بر روی آن نوشته شده بود "سکنه را نجات دهید، نه به اعدام و نه به سنگسار" عکس می‌گرفتند تا به جهانیان اعلام کنند که خواهان لغو اعدام و سنگسار هستند. از بلندگوهای محل تجمع مرتباً متنی به سوئدی که توسط یک جوان مخالف سنگسار ضبط شده بود و ترانه سوئدی برای سکنه پخش میشد. در این آکسیون صداها اطلاعیه به زبانهای سوئدی و انگلیسی و فارسی پخش شد. بار دیگر مردم آزاده ثابت کردند که انسانیت و دفاع از انسانیت مرز و ملیت و قومیت نمی‌شناسد

سوئد، مالمو: پلاکاردهای متعددی در تظاهرات امروز در محل برافراشته شده بود. مردم وسیعاً قطعنامه تظاهرات را امضا کردند. لنارت خواننده سوئدی گیتار زد و ترانه ای

کردند. قبل از اجرای برنامه نیز رادیو بی بی سی پنج با مریم نمازی درمورد روز سکنه مصاحبه کرد که بطور زنده پخش شد.

در لندن رسانه‌های مختلف در محل گزارش تهیه می‌کردند و با سازماندهندگان تظاهرات مصاحبه می‌کردند. از جمله بی بی سی نیوز سه بار گزارش و مصاحبه را بطور زنده پخش کرد و بی بی سی فارسی نیز مصاحبه ای با مریم نمازی داشت که بطور زنده پخش شد.

گوتنبرگ: گزارشی از فعالین این حرکت در یوتیوبی را عیناً اینجا نقل میکنیم: مراسم خیلی خوبی داشتیم. خیلی مورد استقبال مردم، سوئدی‌ها و توریست‌هایی که برای مراسم مسابقات فوتبالی نوجوانان به نام مسابقات گوتیا آمده‌اند قرار گرفت. دهها عکس از سکنه و همچنین عکس تعدادی از عزیزانی که طی سالهای اخیر توسط حکومت جنایت اسلامی اعدام شدند توجه زیاد عابریں را به خود جلب می‌کرد. مردم دسته دسته به این تجمع پیوسته و طومار بلندی را با خواست لغو حکم سنگسار و آزادی فوری سکنه امضا می‌کردند. استقبال پرشور و صمیمانه مردم از این حرکت و ابراز انزجارشان نسبت به جنایات جمهوری اسلامی بسیار برجسته بود. صداها نفر از پیر و جوان طومار اعتراضی را امضا کردند و پارچه ۱۲ متری پر از امضای قطعنامه و نقاشی شد. یک زن سوئدی

کشیدن جمهوری اسلامی است. چند گزارش از این تظاهرات‌ها: استکهلم: در استکهلم تظاهرات بزرگی در مین توریت برگزار شد و مردم زیادی در این تظاهرات شرکت کردند. مرجان واعظ، لینه آ شوگرن از سازمان فمینیستی، ساگا روشن از نهاد پله و فاطمه را فراموش نکن، مهین علیپور از سازمان علیه تبعیض، محمد امیری از کمیته بین المللی علیه اعدام و افسانه وحدت سخنرانی کردند. نمایش سنگسار توسط تعدادی از جوانان اجرا شد و صداها نفر قطعنامه علیه اعدام و سنگسار را امضا کردند.

لندن: تظاهرات بزرگی در میدان ترافالگار برگزار شد. مریم نمازی، بهرام سرور، جلیل جلیلی، فریبرز پویا، بهار میلانی و تعدادی از مردمی که در این تظاهرات شرکت داشتند سخنرانی‌های کوتاهی کردند. نمایش سنگسار مورد توجه وسیع حاضرین قرار گرفت. حضور رسانه‌های بین المللی که برای تهیه گزارش و مصاحبه به محل آمده بودند چشمگیر بود. از جمله سی ان ان، بی بی سی ورلد سرویس، ساندی تایمز، الجزیره، آی تی ان، و چند روزنامه دیگر از انگلیس و نیز بی بی سی فارسی مصاحبه‌های متعددی با مریم نمازی، بهرام سرور و فریبرز پویا انجام دادند.

صداها نفر قطعنامه ای را که روی پارچه ای در میان پهن شده بود امضا کردند و به این کمپین کمک مالی

روز شنبه ۲۴ جولای روز بین المللی سکنه محمدی آشتیانی، از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام، کمیته بین المللی علیه سنگسار، ایران سولیداریتی و میشن فری ایران و دهها نفر از چهره‌های سرشناس از کشورهای مختلف جهان امروز بعنوان روز سکنه اعلام شده بود. در پاسخ به این فراخوان در این روز در ۳۲ شهر از ۱۴ کشور مختلف تظاهرات سازمان داده شد. در این تظاهرات‌ها پلاکاردهای متعددی در اعتراض به حکم اعدام محمد رضا حدادی و زینب جلالیان و سایر محکومین به سنگسار و اعدام، پلاکاردهای متعددی برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری در دست تظاهرات کنندگان دیده میشد.

این تظاهرات‌ها یکی از گسترده ترین اقدامات در ادامه کمپین قدرتمندی بود که از سه هفته قبل برای نجات سکنه محمدی آشتیانی و علیه مجازات اعدام و سنگسار شروع شده و همچنان ادامه دارد. خبر برگزاری تظاهرات‌های این روز در روزهای قبل توسط رسانه‌های متعددی از جمله نیوزویک، تایمز لندن، گاردین، سی ان ان و چند رسانه دیگر منعکس شده بود.

این تظاهرات‌ها موفقیتی برای مردم ایران، گام مهمی علیه جمهوری اسلامی و مجازات‌های وحشیانه اعدام و سنگسار و گام بزرگی در گسترش همبستگی بین المللی مردم جهان با مبارزه مردم ایران برای بریز

عکس‌هایی از تظاهرات‌های روز جهانی سکنه در کشورهای مختلف



پاسخ، سرنگونی رژیم ...

از صفحه ۱

صنایع را شامل میشود. شماری از مقامات سپاه پاسداران و سایر دست اندرکاران حکومت نیز حسابهایشان بلوکه شده و اجازه مسافرت در سطح بین المللی ندارند. اولین سوال اینست که چرا علیرغم اینکه جمهوری اسلامی لحن ظاهرا ملایم تری نسبت به قبل در مورد مذاکره و تبادل سوخت و غیره دارد، فشارهای بین المللی علیه این حکومت تشدید شده؟

مصطفی صابر: این فشارهای بی سابقه در متن بی افقی جمهوری اسلامی در اثر انقلاب خرداد ۸۸ مردم ایران قابل توضیح است. گرچه این انقلاب اکنون اساسا به دلیل سرکوب وحشیانه رژیم موقتاً فروکش کرده است، اما هر کسی میدانند که جمهوری اسلامی آینده ای ندارد. تشتت و نزاع درونی، اوضاع وخیم اقتصادی، نفرت و اعتراض عمومی رویه تزیید، آمادگی اوضاع برای شعله ور شدن انقلاب در ایران، بعلاوه بی اعتباری و رسوایی جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی جهان مولفه های اصلی وضع فعلی است. غرب این وضعیت را موقعیت مناسبی میدانند تا جمهوری اسلامی و به این اعتبار اسلام سیاسی را در چهارچوبه منافع خود به عقب براند و به اصطلاح رام کند. از آنسو جمهوری اسلامی برای بقا خود و با چنگ و دندان میجنگد. گاه علیه غرب رجز خوانی میکند و گاه لحن ملایم تری دارد. به نظر من کلا سعی میکنند زمان بخرد تا شاید بتوانند بمب اتم درست کند و توازن قوا را به نفع خود قدری بهبود بخشد. یعنی جمهوری اسلامی فعلا نشانه مسلمی از کوتاه آمدن نشان نداده است و غرب هم دنبال این نشانه میگردد. با این فشارها که اشاره کردید غرب میخواهد جمهوری اسلامی را در یک موقعیت ضعیف تر به سر میز مذاکره بکشاند و نهایتاً این لحن ملایم تر مقطع فعلی به یک سیاست تشبیت شده رژیم تبدیل شود.

انترناسیونال: تا چه حد فکر میکنید این تحریمها بتواند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی در مقابل



غرب و مشخصا مساله اتمی وادار کند؟

مصطفی صابر: بنظر جمهوری اسلامی حتی اگر بخواهد هم نمی تواند عقب نشینی کند. یعنی در وضعیتی نیست که یک "جام زهر" دیگر سر بکشد و بماند. اگر از سیاست های ضد غربی معمول خود کوتاه بیاید یا در آن تخفیف جدی بدهد فوراً با مشکلات زیادتری در صفوف آشفته خود روبرو خواهد شد. توازن قوای شکننده فعلی بین جناح ها و دار و دسته های مختلف درون جمهوری اسلامی بهم میخورد. اعتبار و اتوریته خامنه ای که تقریباً چیزی از آن باقی نمانده حتی در بین معهود اوپاشی که دورش مانده اند پایین خواهد آمد. مهمتر از همه، این عقب نشینی توازن قوای بین حکومت و مردم را به زیان رژیم بهم خواهد زد. مردم ضعف بیشتر رژیم را خواهند دید و آنوقت روسری ها بیشتر آب خواهد رفت و رژیم آشکارتر و علنی تر مورد تمسخر عمومی قرار خواهد گرفت و اعتراضات گسترده تر خواهد شد. همچنین موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی بعنوان سردمدار اسلام سیاسی نیز با کوتاه آمدن در مقابل غرب لطمه بیشتری خواهد خورد. این کوتاه آمدن معنی اش این است که رژیم از اعمال نفوذ در فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان باید بدرجائی دست بردارد. سر و سامان دادن به همه این مسائل برای رژیم پوسیده و محتضری که بویژه زیر ضربات خرد کننده انقلاب مردم ایران به نفس نفس افتاده و مردم در کمین آن لحظه شماری میکنند، ممکن نیست. جمهوری اسلامی یک قدم که عقب بردارد دیگر چشم انداز ایستادن و موضع محکم کردن در جایی برایش وجود ندارد. این را خامنه ای بخصوص خوب میدانند و به نظر سیاست جمهوری اسلامی عبارت از وقت خربین و تولید بمب اتم است به این امید که آنوقت از موضع قویتری با غرب کنار بیاید. اینکه این تا چه حد یک توهم مدحش و فاجعه بار است

بماند، اما در این لحظه که صحبت میکنیم هنوز جمهوری اسلامی اساساً روی همین خط قرار دارد.

انترناسیونال: بحث حمله نظامی هم الان داغ است. بطور مشخص گفته میشود طرحهایی برای حمله به تاسیسات اقتصادی و نظامی و مراکز کلیدی حکومت توسط اسرائیل تهیه شده و گویا حمله نظامی اسرائیل به ایران مورد حمایت ضمنی آمریکا و برخی دیگر دولتها هم هست. در این مورد چه فکر میکنید؟

مصطفی صابر: غرب اکنون حمله نظامی را در دستور ندارد. البته بخش هایی از جمهوری خواهان در آمریکا و دولت اولترا راست اسرائیل بر طبل جنگ میکوبند. اما بخش های وسیع تری از هیات حاکمه آمریکا، اتحادیه اروپا و البته روسیه و چین (که ایندو در دور اخیر همکاری بیشتری با غرب نشان داده اند) با جنگ مخالف اند.

گرچه همین ها هم بدشان نمی آید که دوزی از تبلیغات جنگی بالای سر جمهوری اسلامی باشد تا او را به سازش بکشاند. اما فعلاً جنگ در دستور نیست. با این همه، ماجراجویی های دولت اسرائیل یا بخش هایی از هیات حاکمه آمریکا به کنار، نکته مهمتر این است که سیاست فعلی غرب در قبال جمهوری اسلامی میتواند به جنگ منجر شود. این سیاست اساساً بر یک توهم پراگماتیستی استوار است که به نتیجه نمی رسد و این خطر جنگ را افزایش میدهد. غرب هنوز امیدوار است که با اعمال فشار بر رژیم اسلامی جناح پرور غرب در جمهوری اسلامی تقویت شود و جناح غرب ستیز آن حاشیه ای بشود. اما آن جمهوری اسلامی که با غرب بطور عادی کار کند و به یک رژیم متعارف تبدیل شود در ایران ممکن نیست. ما اینرا از همان روز اول یعنی در سال ۵۸ گفتیم و بحران ۳۰ ساله جمهوری اسلامی و وقایعی نظیر شکست دوم خرداد و غیره صحت آنرا اثبات کرد. اکنون هم یک انقلاب عظیم در ایران شروع شده تا جمهوری اسلامی را از ریشه درآورد. در نتیجه نه سیاست غرب و نه سیاست هیچکس دیگر برای تعدیل جمهوری اسلامی و در عین حال بقا آن در ایران شدنی نیست. بنا براین همانطور که بالاتر

گفتم جمهوری اسلامی در مقابل این سیاست غرب در موقعیت جدال بر سر بقا، خود قرار گرفته و با تمام قوا مقاومت خواهد کرد و برای اینکه خود را حفظ کند به هر کاری که از دستش برآید و از جمله تولید بمب اتم دست خواهد زد. اینجاست که جنگ زمینه پیدا میکند و آن جناح هایی از هیات حاکمه آمریکا و یا دولت اسرائیل هم روی همین سرمایه گذاری میکنند و تحت شرایطی ممکن است کل غرب را پشت جنگ بیآورند و یا زمینه را برای عملی کردن اقدامات نظامی مناسب ببینند. لذا باید امروز حتی همین تبلیغات جنگی و تالاشیهای که اشاره کردید را محکوم کرد. اما مهمتر این است که باید با برجستگی بیشتری تاکید کنیم که چه راه جلوگیری از جنگ و چه راه مقابله با جنگ، به میدان آمدن مردم و سرنگون ساختن جمهوری اسلامی به نیروی انقلابیان است.

انترناسیونال: این تحریمها و این فشارها بنظر شما بر زندگی مردم چه تاثیری دارد و همچنین چه تاثیری بر مبارزات و اعتراضات آنها میتواند داشته باشد؟

مصطفی صابر: روشن است که تحریم های فعلی گرچه دولت جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران را نشانه رفته، اما بر زندگی مردم نیز بشدت تاثیر خواهد گذاشت. گرانی، بیکاری، فقر و فلاکت که در ایران هم اکنون نیز بیدار میکند ابعاد بمراتب وسیع تری پیدا خواهد کرد و فی الحال نتایج آن پدیدار شده است. خلاصه زندگی در ایران بمراتب غیر قابل تحمل تر خواهد شد. روشن است که اگر حل و فصل بحران جمهوری اسلامی و بن بست های جامعه ایران به جدال و کش و قوس بین غرب و رژیم اسلامی و اقدامات بالایی ها واگذار شود نتیجه بهتری هم نخواهد داشت. اما به نظر ما توجه به اوضاع انقلابی در ایران و

حضور گسترده و میلیونی مردم بر سر حل و فصل مساله قدرت سیاسی، وضعیت فعلی به اعتراضات وسیع و توده ای علیه کل این اوضاع و پیشروی انقلاب علیه جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. این ظرفیت را هم باید دید و هم باید آنرا متحقق کرد. باید متحد و متشکل به میدان آمدن تا عامل بلافصل این مصائب یعنی جمهوری اسلامی را از سر راه جامعه ایران برداشت. باید همه جا در مقابل هر بیکارسازی، در مقابل هرگونه کاهش و نپرداختن دستمزد، در مقابل گرانی و کمبود مایحتاج مردم و خلاصه در برابر هرگونه فقر و فلاکتی که گسترش خواهد یافت محکم و متشکل اعتراض کرد. باید در مقابل هر جنایت رژیم، هر اعدام و سنگسار و دستگیری و جنایت دیگر قاطعانه ایستاد و رژیم را بیشتر به عقب راند. باید هر شکاف در درون جمهوری اسلامی را دامن زد و رژیم را بیش از پیش تضعیف کرد. باید افکار عمومی جهان را وسیع تر از هر وقتی بسیج کرد و جمهوری اسلامی را بیش از پیش به یک انزوی سیاسی راند. کلید حل این معمای مصیب بار برای مردم ایران و همینطور مردم جهان سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم و برقراری یک جامعه آزاد و برابر در ایران است. پاسخ این وضع به پیروزی رساندن انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است. اکنون جمهوری اسلامی در ضعیف ترین موقعیت خود قرار دارد، باید با هرگونه تلاشی که متضمن مماشات با جمهوری اسلامی و کش دادن به عمر نکبت بار این هیولا است برای همیشه پایان داد. این اساساً کار طبقه کارگر و توده های وسیع مردم آزادیخواه و به جان آمده ایران و در پیشاپیش آنها حزب کمونیست کارگری است.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

زنده باد سوسیالیسم!